

## مقدمه

بارتلز که نویسنده ردیف اول این کتاب است درباره فعالیتهای گروه نویسندگان در خصوص چاپ آن به زبان فارسی می گوید: من از اینکه قرار است این کتاب به زبان فارسی چاپ شود خیلی خوشحالم. اما نوشتن مقدمه‌ای در ارتباط با این کتاب و تاریخ و فرهنگ ایران برایم خیلی مشکل بود برای اینکه من هم همانند بسیاری از دانشگاهیان غربی شناختی اصیل و دست اول از ایران ندارم. اما به توصیه همکارم، حمید عبداللهیان که از سال ۱۹۹۱ با او آشنا شدم و این آشنایی در نهایت به همکاری، جمع‌آوری اطلاعات و نگارش این کتاب به زبان فارسی منجر شد این مقدمه را می‌نویسم. البته، واضح است بیشتر اطلاعاتی که درباره ایران از طریق وسایل ارتباط جمعی غربی منعکس می‌شود سوگیری دارد، چرا که این رسانه‌ها اغلب خصومت آمریکا را نسبت به ایران منعکس می‌کنند. اما نسخه نهایی مقدمه کتاب را همکارم عبداللهیان تکمیل کرده است تا ناگفته‌های مقدمه را منعکس کند. برای شرح اینکه مطالب کتاب چگونه انتظارات مخاطب را بر اساس عنوان کتاب برآورده می‌کند، لازم می‌دانیم بحث را این گونه آغاز کنیم که دولتهای گذشته آمریکا تا به امروز بی‌اعتنا به تعهداتی که درباره گسترش دموکراسی اغلب و مکرراً از آن سخن می‌گویند، هیچ اغمازی نسبت به نظامهای سیاسی خارجی، اعم از اینکه دموکرات یا غیر دموکرات باشند در صورتی که به دنبال سیاستهایی باشند که از دید امریکاییها برخلاف منافع آنها باشد، نشان نداده‌اند. نمونه آشکار چنین رویکردی را می‌توان در مشارکت سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) در ماجرای براندازی حکومت برگزیده و دموکراتیک مصدق در ایران و در سال ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) مشاهده کرد که بعد از جنبش ملی شدن صنعت نفت طراحی و اجرا شد.

دولتهای متعدد امریکا همچنین از رژیمهای غیر دموکراتیک اما حافظ منافع امریکا به طور مکرر حمایت کرده‌اند. نمونه آشکار چنین سیاستی را می‌توان در حمایت امریکا از رژیم شاه سابق ایران مشاهده کرد، رژیمی که پلیس مخفی بدنامش، ساواک، را ارتش ایالات متحده امریکا آموزش شکنجه‌گری می‌داد. این شرح غم‌انگیز وقایع تاریخی و رویکردهای غیرصادقانه امریکا سبب شده است تا فراخوان سالهای اخیر دولت امریکا و پسر شاه سابق ایران برای تأمین دموکراسی سکولار در ایران کنایه‌آمیز و مضحک به نظر آید (نولن، ۲۰۰۳). در حالی که سیاست‌گذاران و مفسران خبری امریکا نظام سیاسی ایران را به عنوان یک نظام غیر دموکراتیک مذهبی قلمداد می‌کنند، اما از محکوم کردن حکومت‌های غیر دموکراتیک منطقه خلیج فارس خودداری می‌کنند. همین‌طور، امریکا از محکوم کردن رژیم اسرائیل با اینکه به طور منظم به حقوق فلسطینیان و سایر همسایگانش از جمله لبنان تجاوز می‌کند، که آخرینش در تابستان سال ۱۳۸۵ اتفاق افتاد، خودداری می‌کند.

همچنین اگر به رفتارهای خلاف عرف و قاعده و رسوایی آشکار دولتمندان امریکا در انتخابات ریاست جمهوری امریکا در سال ۲۰۰۴ نظری بیفکنیم در آن صورت محکوم کردن رژیمهای سیاسی خارجی به وسیله امریکا آن هم با برچسب غیردموکراتیک بودن کنایه‌آمیزتر و مضحک‌تر به نظر خواهد آمد.

تناقضات موجود در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا مانند آنچه در بالا ذکر شد نقاب از چهره اهداف عمده امریکا بر می‌دارد. به عبارت دیگر، تأمین نفت از خلیج فارس و آسیای مرکزی برای شرکتهای نفتی امریکا از جمله این اهداف عمده بوده است. سلطه امریکا بر این منابع نفتی سبب خواهد شد تا اکثر معاملات نفتی بین‌المللی با دلارهای امریکایی انجام شود. اقتصاد امریکا در صورتی که دلار امریکا به منزله مرجع دادوستدهای بین‌المللی نفت مورد استفاده قرار نگیرد خسارتهای جدی خواهد دید (بونین‌گر، ۲۰۰۳). همین مسئله، محرک اصلی امریکا برای اشغال و استعمار عراق در سالهای اخیر نیز به حساب می‌آید و همین امر انگیزه

اصلی امریکا برای تهدیدهای اخیر نسبت به ایران به شمار می‌رود.<sup>۱</sup> به دلیل خصومت‌های دولت امریکا و بیشتر وسایل ارتباط جمعی امریکای شمالی با نظام سیاسی معاصر ایران، جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان اندکی در امریکای شمالی می‌توانند در ایران یا درباره ایران به تحقیق پردازند. جستجوی الکترونیکی آرشیوهای انجمن انسان‌شناسی امریکا آشکار ساخته است که هیچ مقاله عمده‌ای درباره جامعه و فرهنگ ایرانی پس از انقلاب اسلامی در مجله *انسان‌شناسی امریکایی*<sup>۲</sup> که یک مجله پیشتاز در انسان‌شناسی امریکاست نوشته نشده است، همچنین هیچ مقاله درخور توجهی که درباره فرهنگ و جامعه ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) باشد به وسیله مجله *انسان‌شناسی*<sup>۳</sup> مربوط به انجمن انسان‌شناسی کانادا به چاپ نرسیده است. نیز هیچ مقاله‌ای درباره جامعه و فرهنگ ایران بعد از انقلاب بین سالهای ۱۹۸۹ و ۲۰۰۷ در مجله *مرور جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی کانادا*<sup>۴</sup> که زیر نظر جامعه انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی کاناداست به چاپ نرسیده است. وضعیت کاوش درباره ایران در جماعت باستان‌شناسی امریکای شمالی متفاوت است و آن هم احتمالاً به دلیل اهمیت آشکار منطقه است، چرا که در حال حاضر ایران در مرحله رشد یکجانشینی<sup>۵</sup>، شهرنشینی، کشاورزی و رشد سازمان‌های دولتی است. اگرچه نشریه باستان‌شناسی *روزگار باستان امریکایی*<sup>۶</sup> که یک نشریه علمی پیشتاز باستان‌شناسی در امریکاست هیچ مقاله‌ای به تازگی درباره روزگار باستان ایرانیان چاپ نکرده است، اما یکی از شماره‌های سال ۱۹۹۶ مجله مشهور باستان‌شناسی که از سوی مؤسسه باستان‌شناسی امریکای شمالی چاپ می‌شود خبری درباره حفاری‌ای

۱. برای آخرین مطالب در این زمینه رجوع کنید به سایت times on line به تاریخ دوم سپتامبر ۲۰۰۷ یا رجوع کنید به کاریکاتور موهن علیه ایرانیان در مجله *Columbus Dispatch* به تاریخ چهارم سپتامبر ۲۰۰۷.

2. *American Anthropologist*

3. *Anthropologica*

4. *Canadian Review of Sociology and Anthropology*

5. sedentarism

6. *American Antiquity*

که پاتریک ای. مک‌گاورن و تیمی از موزه دانشگاه پنسیلوانیا در رشته کوه زاگرس در شمال ایران انجام دادند، درج کرده است (برکوویتس، ۱۹۹۶). در مارس ۲۰۰۲ وب‌سایت باستان‌شناسی به نقل از *ایران نیوز*<sup>۱</sup> مطلبی را درباره تخریب سازه‌های باستانی بودایی به وسیله رژیم سابق طالبان درج کرد که جالب توجه است: «اسلام هرگز حکمی برای تخریب آثاری که بیانگر اعتقادات و سوابق تاریخی میلیون‌ها نفر از مردم جهان باشد، نداده است».

جالب آنکه در بین افراد تحصیلکرده غربی، آن بخش از فرهنگ ایرانیان که شامل فرهنگ بعد از انقلاب اسلامی می‌شود نسبتاً شناخته شده است. از سوی دیگر، ترجمه اشعار عمر خیام که در قرن نوزدهم به وسیله فیتز جerald صورت پذیرفت هنوز هم مورد استفاده گسترده عموم است؛ گرچه امروز مشخص شده است که ترجمه فیتز جerald ترجمه‌ای آزاد بوده است و اخیراً هم اشعار مولانا رومی (۱۹۹۵) و (۲۰۰۷) به صورت فزاینده‌ای مورد علاقه مردم قرار گرفته است. بسیاری از فیلمهای ایرانی مربوط به دوره بعد از انقلاب نیز به خوبی در غرب مورد استقبال قرار گرفته‌اند. فیلمهایی که در فستیوال بین‌المللی فیلم تورنتو به نمایش درآمدند عبارت‌اند از: باران، تخته‌سیاه، دایره، سفر قندهار، رأی مخفی، زیر پوست شهر، دوئل، بادکنک سفید، زیر درخت زیتون و غیره.

به‌رغم نبود دانش آکادمیک فراگیر نسبت به فرهنگ و جامعه ایران پس از انقلاب در میان اقشار آکادمیک امریکای شمالی، تبیین‌هایی درباره انقلاب اسلامی در چندین منبع دوره کارشناسی دانشگاه‌های امریکا و کانادا مکرراً دیده می‌شود که دو مورد از آنها را در اینجا توضیح می‌دهیم.

ریچارد رابینز<sup>۲</sup>، انسان‌شناس امریکایی، در کتاب خود با عنوان *مسائل جهانی و فرهنگ سرمایه‌داری* (۱۹۹۴) درباره انقلاب ایران و در فصلی با عنوان «مذهب و مقابله ضد سیستمی» می‌نویسد: بریتانیا پس از اینکه روسیه به لحاظ انقلاب

1. *Iran News*

2. Richard Robbins

بلشویویکی در سال ۱۹۱۷ از ایران عقب نشست اقتصاد ایران را تحت کنترل خود در آورد.

به دلیل ضعف دولت مرکزی ایران شورشهای متعددی در ایران شکل گرفت که جدی‌ترین آنها انقلاب جنگل در سال ۱۹۱۷-۱۹۲۱ و به رهبری میرزا کوچک‌خان بود. این انقلاب پشتوانه مالی خود را با بهره‌برداری از ثروتهای مالکان تأمین می‌کرد (مانسون، ۱۹۸۸). رضاخان با حمایت از بازرگانان و نظامیان و غیره انقلاب جنگل را سرکوب کرد (رابینز، ۱۹۹۴: ۳۸۲-۳۸۳).

رابینز (۱۹۹۴: ۳۸۳-۳۸۴) همچنین بر نقش امریکا در براندازی دولت مصدق و حمایت از شاه و ساواک تأکید می‌کند. او می‌نویسد: «انقلاب سال ۱۹۷۹ که موجب براندازی شاه و به قدرت رسیدن آیت‌الله خمینی شد بیانگر اتحاد علما، بازرگانان و روشنفکران در واکنش به سیاستهای شاه بود...».

منبع دوم مربوط به متفکر انگلیسی یعنی تیم آلن (۲۰۰۰: ۴۴۳-۴۶۶) می‌شود که تحلیلی از انقلاب ایران در کتاب درسی فقر و توسعه در قرن ۲۱ ارائه می‌دهد که آن را با همکاری آلن توماس نگاشته است. آلن عنوان می‌دارد که تحلیل فرد هالیدی از انقلاب ایران (۱۹۷۹) از نقش محوری «فرهنگ» - و به خصوص اهمیت علما و عاشورا - در انقلاب غفلت می‌کند. آلن سپس تاریخ تفاوت‌های مذهب شیعه و سنی را به عنوان شاخه‌هایی از اسلام مورد بحث قرار می‌دهد.

بحث آلن درباره نقش فرهنگ در انقلاب ایران به دلیل عدم به کارگیری رویکردی نظری به فرهنگ که اخلاق، دین و سیاست را به هم پیوند می‌دهد، ناقص است. این ارتباط در فصل نهم این کتاب مورد توجه قرار گرفته است.

اما نکته قابل توجه برای ما این است که نه رابینز و نه آلن درباره تصرف روسی - انگلیسی ایران در طول جنگ جهانی دوم و تهدیدات بعدی امریکا برای استفاده از سلاح‌های هسته‌ای به منظور پیشگیری از استقرار یک دولت طرفدار دولت روسیه در شمال ایران و پس از پایان جنگ جهانی دوم توضیحی نداده‌اند (ر. ک.: آلدراج، ۱۹۵۱). آنان درباره اقدامات و تلاش امریکا برای کمک به عراق در تهیه سلاح‌های کشتار جمعی - مشخصاً سلاح‌های شیمیایی، شامل گازهای عصبی - علیه

ایران مطلبی نوشته‌اند. تیم و آلن همچنین به ماهیت فتوایی که علیه سلمان رشدی صادر شد اشاره‌ای نکرده‌اند. آنان درباره تلاش دولت ایران برای پیشگیری از انتشار مواد مخدر از طریق افغانستان به سوی غرب، هیچ مطلبی نیاورده‌اند و همچنین درباره تلاشهای ایرانیان برای ترکیب اسلام و دموکراسی نیز توضیحات لازم را ارائه نکرده‌اند.

این توضیحات به منظور ارائه تصویری است از نوع اطلاعات و تجزیه و تحلیلهایی که در امریکای شمالی برای گروه اقلیتی از دانشجویان و افراد آکادمیک از جمله یکی از نویسندگان (بارتلز) این کتاب موجود است. بارتلز معتقد است: «اما، علی‌رغم بی‌اطلاعی من درباره تاریخ فرهنگ و جامعه ایران امیدوارم که این کتاب با کمک گروه محققان کتاب حاضر بتواند راهنمای مفیدی برای دانشجویان علاقه‌مند به تحلیل جامعه یا فرهنگ خود یا تحلیل دیگر جوامع و فرهنگها باشد». این گونه تحلیلها زمانی محقق شده و تبلور عینی می‌یابد که مفاهیم و نظریه‌های ارائه شده در این کتاب برای طرح پرسشهایی درباره جامعه ایران به کار رود. بعضی از این پرسشها در ذیل آمده است. نکته مهم در این ارتباط ارائه سازوکارهای تحلیل جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی و ارتباطاتی در کتاب حاضر است تا مخاطبان بهتر بتوانند با تحولات قرن بیست و یکم آشنا شوند و در صورت نیاز از این رویکردهای چند رشته‌ای برای تحلیل جهان امروز سود ببرند. به خصوص آنکه در حالی که فصول ابتدایی برگرفته از نوعی نگاه انتقادی به مدل‌های نظری مدرنیستی است، فصول پایانی ضمن دخالت دادن فرهنگ و ارتباطات در تحلیلها نگاه مقایسه‌ای را به مخاطبان ارائه خواهد کرد.

با این توضیحات به شرح ساختار کتاب با ارائه پرسشهای ذیل می‌پردازیم:  
تحلیل ارائه شده درباره سرمایه‌داری در فصل اول چگونه به نسبت ایران با نخبگان حاکم در امریکا و انگلیس در قبل از انقلاب ۱۹۷۹ و بعد از انقلاب مربوط می‌شود؟

واژه‌شناسی خویشاوندی در فرهنگهای گوناگون در فصل پنجم توضیح داده

شده است. کدام یک از این واژه‌های خویشاوندی در زبان فارسی یا دیگر زبانهای ایرانی وجود دارد؟

تعریف تولید و روابط تولیدی (فصل سوم و چهارم) احتمالاً با ساختار اجتماعی ایران ارتباط می‌یابد (ر. ک.: فصل اول). می‌توان پرسید چگونه روابط تولیدی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تغییر کرده است؟ آیا ساختار طبقاتی تغییر زیادی کرده است؟ آیا اقشار جدید دیگری شکل گرفته‌اند؟ آیا قشر بندی شهری موجود ایران به تلاشهای امریکا برای بی‌ثبات کردن نظام سیاسی موجود ایران مربوط می‌شود؟

سؤالهای مشابهی در تجزیه و تحلیل ارائه شده در فصلهای هشتم و دهم دربارهٔ استثمار طرح شدنی است. آیا روابط بین شاغلان و کارفرمایان ایرانی از نوع استثماری است؟ آیا فعالیتهای بازرگانان در بازارهای شهری با تجزیه و تحلیل ارائه شده دربارهٔ استثمار مرتبط است؟ آیا صادرات نفت ایران مانند صادرات نفت در گذشته استثماری است؟ آیا برنامه‌های تعدیل ساختاری جدید لیبرالی، ساختار اقتصاد ایران را پس از جنگ هشت ساله عراق علیه ایران به گونه‌ای سامان داد که وضعیت استثماری اقتصاد ایران افزایش یا کاهش یابد؟

بحث جنسیت، سلطهٔ مردان و پیروی و تبعیت زنان، جنسیت‌گرایی (در فصلهای چهارم، هفتم و یازدهم)، همچنین بحث دربارهٔ روابط تولیدی (فصل چهارم) شاید به روابط جنسیتی در ایران معاصر، به ویژه به نیروی تجدید نسل زنان و قدرت انتخاب زنان در این زمینه مربوط است. آیا قدرت انتخاب همسر و نیز دسترسی به بهداشت برای جمعیت رو به افزایش زنان وجود دارد؟ آیا تعداد زیادی از زنان در خارج از خانه به اشتغالی مشغول‌اند که موجب استقلال اقتصادی‌شان از مردان می‌شود؟ یا روند رو به تحول ساختارهای اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی ایران، آن طور که عبداللهیان می‌گوید منحصر به فرد بوده است و سازوکارهای تحلیلی خود را می‌خواهد؟

از آنجا که نیروی انسانی کار ابتدایی‌ترین نیروی تولید است، استمرار هر

شیوه تولیدی در نهایت وابسته به تولد کودکان و آموزش و پرورش آنهاست (فصل سوم). در نتیجه، بازتولید نیروهای تولید از نسلی به نسل دیگر (فصل چهارم) این سؤال را ایجاد می‌کند که آیا کودکان در هر جامعه‌ای از جمله جامعه ایران به مسائل مراقبتی، بهداشتی و تغذیه‌ای مناسب بدون توجه به قدرت اقتصادی و دارایی خانوادگی شان دسترسی دارند یا خیر؟ این پرسش همچنین مرتبط با اصول اخلاقی است که ما در فصلهای نهم و دهم مورد بحث قرار داده‌ایم.

طبق دکتترین الهیات مقتدرانه مسیحی در اروپای قرون وسطا، تکاثر سود اعمال شده بر قرض بر اساس استثمار صورت می‌گرفت و آموزشهای حضرت مسیح را نقض می‌کرد (ر. ک. هانت، ۱۹۹۵ و پینتر، ۱۹۶۴). همراه با ظهور سرمایه‌داری، این دکتترین کنار گذاشته شد. امروزه این پرسش که آیا تکاثر سود حاصل از قرض اخلاقیات مسیحیت را نقض می‌کند دیگر به ندرت در فرهنگ غربی مطرح می‌شود. در برخی از فرهنگهای معاصر اسلامی، این گونه تکاثر سود به عنوان نقض مستقیم آموزشهای قرآنی محسوب می‌شود. «آیا نوسان سود و سهام» در ایران معاصر (رایت، ۱۹۸۹: ۱۲۴) با چنین منعی سازگاری دارد؟ این پرسش شاید به مفهوم ایدئولوژی که در فصل نهم ارائه شده و به بحث استثمار که در فصل هشتم و دهم ارائه شده است مربوط باشد. در آنجا می‌توان بحث کرد که آیا می‌توان به چنین پرسشی پاسخ داد یا خیر؟ البته نظام دینی ایران کوشیده است مرزهای میان اخلاق و رفتار را مشخص کند تا فعالیتهای اقتصادی بهتر سامان یافته و با اخلاق دینی تطابق یابد. این امر البته به سپری شدن سالیان متمادی نیاز دارد تا ایران معاصر در کوران تجربه بتواند فرمول مناسب را که با اخلاق دینی تناسب بیشتری دارد به منزله مدلی پویا ارائه کند.

تحلیل ایدئولوژی که در فصل نهم ارائه شده است این پرسش را به ذهن متبادر می‌کند که آیا آموزه‌های اخلاق اسلامی، همچون آموزه‌های اخلاقی سایر مذاهب عمده از اصول اخلاقی تجربه - محور، که جورج لکاف (۱۹۹۶) و سایر علمای حوزه شناخت مورد بحث قرار می‌دهند، ناشی می‌شود؟ در این بحث



مشخص می‌شود که آموزه‌های اخلاقی دینی بیشتر برگرفته از آموزه‌های قرآن بوده است و ارتباطی با معنایی که از ایدئولوژی می‌شود ندارد و بنابراین تجربه نمی‌تواند اصول اخلاقی را که برگرفته از قرآن کریم است، نقض کند. واقعیت آن است که بسیاری از قضاوتها درباره ادیان ناشی از آموزه‌های لائیک سنت فکری غرب در دوره مدرنیسم است و ارتباطی با واقعیت آموزه‌های دینی در ادیان گوناگون ندارد. همچنین می‌توان پرسید که آیا رویکرد این کتاب به ایدئولوژی برای فهم ابعاد ایدئولوژیک تنشهای سیاسی امروز ایران از جمله تلاش امریکا برای گسترش چنین تنشهایی مؤثر است یا خیر؟

نسبی‌گرایان فرهنگی گاهی اوقات چنین بحث می‌کنند که هیچ استاندارد اخلاقی مطلق وجود ندارد که بر اساس آن بتوان رفتارهای اخلاقی خاصی را پذیرفت یا رد کرد (فصل دوازدهم). در این صورت، بر چه اساسی رفتارهای فرهنگی نظیر نسل‌کشی (فصل دهم) باید مردود شناخته شوند؟ بعضی از انسان‌شناسان عنوان می‌کنند که در بعضی از فرهنگها نظام پذیرفته‌شده‌ای از سلسله‌مراتب ارزشها وجود دارد. در این گونه فرهنگها دلسوزی برای قربانیان یا قربانیان بالقوه نسل‌کشی مهم‌تر از اغماض نسبت به رفتارهای فرهنگی نظیر نسل‌کشی است. این نوع فرهنگ این اجازه را می‌دهد که مردود دانستن برخی جرایم در کنار اغماض نسبت به طیف وسیعی از رفتارهای فرهنگی غیرمرگبار با یکدیگر همزیستی داشته باشند (فصل دوازدهم). آیا چنین سلسله‌مراتبی از ارزشها در ایران معاصر وجود دارد؟ در این صورت آیا این امر به سبب اصول اخلاقی است که ما در فصول نهم و دهم درباره آنها بحث کردیم؟

روابط بین قومیت، اخلاق و محکومیت جمعی در فصل نهم و دهم ارائه شده است. آیا چنین بحثی می‌تواند همبستگیها و روابط درون قومی در ایران معاصر یا روابط میان ایران و سایر کشورها را روشن‌تر کند؟

مسائل زیست‌محیطی مربوط به نحوه برخورد با طبیعت و ژنتیک محیطی<sup>۱</sup> در

فصل دهم مورد بحث قرار گرفته است. این بحث ممکن است به مشکلات آلودگی هوا و دود در شهرهای ایران مربوط باشد. همچنین، صادرات سوختهای فسیلی از ایران و سایر کشورهای صادرکننده نفت منبع مهم تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای است و ایران مانند سایر کشورهای تولیدکننده نفت از جمله کانادا باید نسبت به تولید گاز کربن و گازهای گلخانه‌ای حساس تر باشد. شاید این گونه کشورها این هدف را بتوانند از طریق وابستگی کمتر به صدور نفت تحقق بخشند. این مسئله مستقیماً به تلاشهای موجود برای به تصویب رساندن و اجرای پیمان کیوتو مربوط می‌شود. البته نمی‌توان نقش بسیار مؤثر ایالات متحده را در تولید گازهای گلخانه‌ای نادیده گرفت.

بیشتر مطالب ارائه شده در بالا با مفهوم تناقض که در فصل سوم مطرح شد ارتباط دارد. آیا مفهوم تناقض برای فهم تضادها و تنشها در جامعه معاصر ایران مناسب است؟ مطمئناً این رویکرد دیگر در بسیاری از تحلیلها مناسب به نظر نمی‌آید، اما تمرین آن در اینجا جالب توجه خواهد بود.

در فصول پایانی رویکردهای ترکیبی ارتباطاتی و جامعه‌شناختی را همراه با رویکردهای روش‌شناختی روایت‌شناسی و فرهنگی ارائه کرده و برای تحلیل متون تاریخی و ارتباطی معرفی کرده‌ایم. این رویکردها تا چه میزان ممکن است به تحلیل دقیق‌تری از تاریخ ایران کمک کنند؟ آیا ممکن است متغیرهای جدیدی را در برداشت از تاریخ ایران معرفی کنند؟ چه ارتباطی میان فصول قبلی (به خصوص بحث زبان‌شناسی)، نحوه تحلیلها و بحثهای فصول سیزدهم و چهاردهم وجود دارد؟ آیا این تحلیلها نمونه‌ای از خاص بودن جامعه ایران را برملا نمی‌کنند؟

همچنین رویکرد روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی را در فصل چهاردهم معرفی کرده‌ایم تا ابزار تحلیل فرهنگی را که در فصول قبل برای فهم انسان‌شناختی و ارتباطاتی (زبان‌شناسی) از تفاوت‌های فرهنگی به کار بردیم این بار با رویکردی جامعه‌شناختی و ارتباطاتی مقایسه کنیم و به کار ببریم. یکی از مسائل مبتلابه جامعه ایران تحول ساختاری در نیروهای اجتماعی است. این پرسش مطرح است که آیا

رویکرد روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی قالب نظری مناسب‌تری را برای تحلیل مسائل ایران از جمله شکل‌گیری نیروهای اجتماعی نو فراهم می‌کند یا نه؟ در اینجا باید به این نکته نیز اشاره کنیم که رویکرد این کتاب چند رشته‌ای است و از انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ارتباطات به طور هم‌زمان استفاده می‌کند. مثلاً در فصل دوم و در بحث زبان‌شناسی و با استفاده از یک رویکرد انسان‌شناختی نه تنها به نحوه گذران حیات مردم در جوامع گوناگون توجه کرده‌ایم، بلکه در عین حال، با استفاده از رویکرد جامعه‌شناسی به تأثیر سازوکارهای اجتماعی در شکل بخشیدن به نحوه فهم انسانها از یکدیگر و از معانی زبانی پرداخته‌ایم. در همین فصل، نشان داده‌ایم که زبان در فرایند کنشهای ارتباطی شکل یافته و قوام و دوام خواهد یافت و به فراخور معنایی که انسانها از نمادهای زبانی به دست می‌آورند ارتباطات انسانی و اجتماعی خود را سامان می‌بخشد. بدیهی است در بعضی از فصول وزن تحلیلها به سمت یکی از رشته‌های انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی یا ارتباطات سنگینی می‌کند، اما زیربنا و بن‌مایه تحلیلها رویکردی ترکیبی بوده است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که انسان‌شناسی رشته‌های متعددی دارد که ما در اینجا بیشتر از رویکرد انسان‌شناسی فرهنگی - اجتماعی که آن را شرح می‌دهیم استفاده خواهیم کرد. در امریکای شمالی، انسان‌شناسی معمولاً شامل چهار موضوع یا زیرمجموعه (یا گرایش) مختلف به این شرح است:

۱. انسان‌شناسی جسمانی که توجه کانونی آن بر جنبه‌های زیست‌شناختی گونه‌های انسانی، از جمله تکامل انسان و ژنتیک و بر نخستیهای غیر انسان (مانند: بونابوها، شامپانزه‌ها، گوریلها، بابونها، میمونها و غیره)<sup>۱</sup> که بر اساس اصول تکامل به انسانها خیلی نزدیک‌اند، متمرکز است.
۲. زبان‌شناسی انسان‌شناختی که به توصیف و تحلیل زبانهای دنیا به ویژه زبانهای موجود در فرهنگهای غیر غربی می‌پردازد.

---

۱. البته باید دانست برخی از متفکران زیست‌شناسی چنین می‌اندیشند، ولی زیست‌شناسان الهی به نحو دیگری در این باره می‌اندیشند (نویسندگان).

۳. باستان‌شناسی که به تحلیل فرهنگهای، معمولاً منقرض شده، گذشته با استفاده از بقایای مادی آنها می‌پردازد.

۴. انسان‌شناسی فرهنگی - اجتماعی که اساساً به توصیف و تحلیل فرهنگهای غیرغربی می‌پردازد. انسان‌شناسی فرهنگی - اجتماعی شامل قوم‌نگاری و قوم‌شناسی است. درباره انواع رشته‌های انسان‌شناسی و کاربردهای آنها در فصل اول توضیح بیشتری داده شده است که شرح کاربردهای آن در مباحث ارائه خواهد شد.

در انتها، امیدواریم دانشجویان هنگامی که به دنبال پاسخگویی و تلاش برای یافتن پاسخ پرسشهای بالا هستند این کتاب را مفید تشخیص دهند. خیلی خوشحال خواهیم شد اساتید و دانشجویان محترمی که از این کتاب استفاده می‌کنند انتقادات و پیشنهادات خود را برای اینجانب یا همکارم حمید عبداللهیان ارسال کنند. در نهایت از عبداللهیان به سبب توجه مستمر به این کتاب و تحقیق و نگارش آن و ادامه دوستی اش سپاسگزارم.

دکتر دنیس بارتلز

و

دکتر حمید عبداللهیان

پاییز ۱۳۸۷